

« جان جهان در کلام دشمنان »



امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: شدیدتر از یتیمی یتیمی که از پدرش جدا شده، یتیمی یتیمی است که از امام خویش جدا گشته است و به او دسترسی ندارد و حکم او را در زمینه شرایع دینی‌اش که مورد نیاز اوست، نمی‌داند... (1) (مستدرک وسائل، جلد 17، صفحه 317)

احمد بن عبیدالله بن خاقان که دشمنی سختی با امام علی (علیه السلام) و اولادشان داشت، متصدی املاک و خراج شهر قم بود. روزی در مجلسش از علویان و مذاهبشان سخن به میان آمد، او گفت من در سامره مردی از اولاد علی را از لحاظ رفتار و وقار و پاکدامنی و نجابت و بزرگواری در خانواده خودش و بنی‌هاشم، مانند حسن بن علی بن محمد، ابن الرضا ندیدم و نشناختم که خاندانش و بنی‌هاشم و سرلشکران و وزیران و همه مردم او را بر سالخوردگان و اشراف مقدم دارند. من روزی بالای سر پدرم ایستاده بودم (و آن روزی بود که برای پذیرفتن مردم، می‌نشست). ناگهان دربانانش آمدند و گفتند: ابو محمد، ابن الرضا دم در است. پدرم به آواز بلند گفت: او را اجازه دهید. سپس مردی گندم گون، خوش اندام، نیکو رخسار، خوش پیکر، تازه جوان با جلالت و هیبت وارد شد. چون نگاه پدرم به او افتاد، برخاست و چند قدم استقبالش کرد، با آنکه گمان ندارم چنین کاری را نسبت به هیچ بنی‌هاشمی و سرلشکری بکند. چون به نزدیکش رسید، با او معانقه کرد و دستش را گرفت او را روی مسندی که خودش نشسته بود، نشانید و پهلوی او نشست و متوجه او شد و با او به سخن پرداخت و خود را قربان او می‌کرد. من از آنچه از پدرم می‌دیدم، در شگفت بودم...

پس از آنکه پدرم نماز عشاء را گزارد، آدمم و در برابر او نشستم و پس از آنکه از او اجازه گرفتم، گفتم: ای پدر! مردی که امروز صبح دیدم نسبت به او احترام و بزرگداشت و تعظیم نمودی و خود و پدر و مادرت را قربانش کردی، که بود؟ گفت: پسر جان، او امام رافضیان است، او حسن بن علی است که به ابن الرضا معروفست، آنگاه ساعتی سکوت کرد و سپس گفت: پسر جان! اگر امامت از خلفای بنی عباس جدا می‌شد، هیچکس از بنی‌هاشم جز او سزاوار آن نیست و او برای فضیلت، پاکدامنی، رفتار، خویشتنداری، پرهیزکاری، عبادت، اخلاق شریف و شایستگی، سزاوار خلافت می‌باشد...
« برگرفته از کتاب "اصول کافی"، باب مولد ابی محمد الحسن بن علی (علیهما سلام)، تالیف شیخ کلینی (ره) (با رعایت اختصار) »